

تناسب تجربی نظریه همخوانی استرس و سبک‌های شخصیتی جامعه گرایی و خود گردانی در بیماران افسرده

حسین قلی زاده: گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز: نویسنده رابط

E-mail: hossein.gholizade@yhaoo.com

عباس بخشی پور: گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز
مجید محمود علیلو: گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز
مهدی ایمانی: گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت: ۸۷/۵/۷، پذیرش: ۸۷/۱۱/۹

چکیده

زمینه و اهداف: تعامل بین سبک‌های شخصیتی خاص با استرس، افراد را مستعد افسردگی می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی نظریه آسیب پذیری شناختی بک در مورد ارتباط سبک‌های شخصیتی جامعه گرایی و خود گردانی با رخداد های تنش زای زندگی در بیماران افسرده بود.
روش بررسی: تعداد ۱۰۰ نفر از بیماران افسرده به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر را بیماران مراجعه کننده به کلینیک‌های روانپزشکی و مراکز مشاوره شهر تبریز تشکیل می‌دادند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های افسردگی بک (BDI-II)، افسردگی زونگ، پرسشنامه سبک شخصیتی (PSI-II)، و پرسشنامه رخداد های تنش زای زندگی پاسخ دادند.
یافته ها: ارتباط معناداری بین سبک شخصیتی به عنوان عامل زمینه ساز افسردگی و رخداد های تنش زای زندگی به عنوان عامل آشکار ساز افسردگی، وجود داشت، به این ترتیب که افراد جامعه گرا هنگامی که با استرس‌های مربوط به جدایی، از دست دادن و اختلال در ارتباطات بین فردی و افراد خودگردان هنگامی که با استرس‌های مربوط به شکست مواجه می‌شدند، افسردگی را تجربه می‌کردند. شخصیت جامعه گرایی اغلب در زنها و شخصیت خودگردان بیشتر در مردها دیده شد. اما یافته‌ها از ارتباط بین علایم افسردگی با سبک‌های شخصیتی حمایت نکردند.
نتیجه گیری: افراد جامعه گرا و خودگردان در صورت مواجهه با استرس‌های همخوان با شخصیت خود، افسردگی را تجربه می‌کنند.

کلید واژه ها: جامعه گرایی، خودگردانی، رخداد های تنش زای زندگی، آسیب پذیری شناختی، افسردگی

مقدمه

کرد (۲). فرد خودگردان که اغلب از جنس مذکر می باشد دارای ویژگی‌های مانند عمل گرایی، تاثیر کم ستایش و انتقاد در او، عدم توجه به نیازها و تمایلات دیگران، گرایش به صریح، قاطع، و سلطه‌جو بودن می‌باشد (۲). در مقابل فرد جامعه‌گرا که معمولاً در جنس مونث مشاهده می شود ویژگی‌های زیر را نشان می دهد: برای بدست آوردن امنیت،

افسردگی از جمله شایعترین اختلالات روانی است (۱). در مورد علت‌شناسی افسردگی، نظریه های مختلفی مطرح شده‌اند که یکی از این نظریه ها، نظریه آسیب پذیری شناختی Beck می‌باشد. Beck در آخرین اصلاح بر نظریه شناختی افسردگی خود در سال ۱۹۸۳ دو سبک شخصیتی خودگردانی و جامعه‌گرایی را به عنوان عوامل زمینه‌ساز افسردگی مطرح

خودگردانی ۳- تعیین رابطه بین سبک های شخصیتی جامعه گرای و خودگردانی با علائم افسردگی ۴- تعیین رابطه بین سبک های شخصیتی جامعه گرای و خودگردانی با جنسیت.

مواد و روش ها

طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی و علی-مقایسه ای می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر بیماران افسرده مراجعه کننده به کلینیکهای روانپزشکی و مراکز مشاوره شهر تبریز بودند که از بین این بیماران تعداد ۱۰۰ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. از این تعداد ۳۸ نفر مرد و ۶۲ نفر زن بودند. شرایط اصلی ورود به طرح شامل تشخیص افسردگی اساسی بر اساس مصاحبه بالینی ساختار یافته برای اختلالات عاطفی^۱ و پرسشنامه افسردگی بک و تایید تشخیص بر اساس نظر روانپزشک یا روانشناس بالینی بود. ملاک های حذفی هم شامل اختلالات پسیکوتیک، اختلالات شخصیتی، عقب ماندگی ذهنی و وابستگی دارویی بود. روش اجرا به این صورت بود که بعد از تشخیص و تایید افسردگی اساسی، بیمارانی که حاضر به شرکت در طرح بودند رضایت نامه ای را تکمیل کرده سپس پرسشنامه ها روی بیماران اجرا می شدند و با استفاده از نمرات به دست آمده از تست سبک شخصیتی، بیماران به دو گروه جامعه گرا و خود گردان تقسیم می شدند. در این پژوهش به جای استفاده از افراد سالم به عنوان گروه کنترل، هر یک از گروه های جامعه گرا و خود گردان به عنوان گروه کنترل برای گروه مقابل استفاده شد. برای رعایت اصول اخلاقی از بیماران خواسته شد تا اسم خود را روی پرسشنامه ها ننویسند.

ابزارهای پژوهش: ابزارهای مورد استفاده در

پژوهش حاضر عبارت بودند از: پرسشنامه افسردگی Beck (ویراست دوم) BDI-II که برای سنجش شدت افسردگی در سال ۱۹۶۱ توسط بک و همکاران تدوین شد و در سال ۱۹۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۲۱ ماده می باشد و هر ماده نمره ای بین صفر تا ۳ می گیرد. مشخصات روان سنجی این پرسشنامه در ایران قابل قبول و به این شرح می باشد: ضریب آلفا: ۰/۸۷، ضریب باز آزمایی: ۰/۷۴ (۱۱). و نیز مقیاس سبک شخصیتی (PSI) که برای اولین بار توسط Robins و همکارانش در سال ۱۹۹۴ برای سنجش خودگردانی و جامعه گرای ساخته شد (۱۲). این پرسشنامه دارای ۴۸ سوال است که که ۲۴ آیتم آن خودگردانی و ۲۴ آیتم دیگر آن جامعه گرای را می سنجد. همسانی درونی هر دو خرده مقیاس در بین بیماران افسرده در حد قابل قبول گزارش شده است (۵). ویژگی های روانسنجی این پرسشنامه در نمونه ایرانی به قرار زیر است: ثبات درونی مقیاس جامعه گرای و

کمک و رضایتمندی به دیگران نیاز دارد؛ برای مطمئن شدن از ایمنی و پیشگیری از رنج انزوای اجتماعی به ارتباط با دیگران متکی است؛ از دریافت لذت می برد (۲)، فرد جامعه گرا به سوی ارتباطات بین فردی تمایل دارد (۳). باید در نظر داشت که تیپ های شخصیتی جامعه گرای و خودگردانی تنها به عنوان عوامل زمینه ساز مطرح هستند و تا زمانی که عوامل آشکار ساز ظاهر نشوند این افراد مبتلا به افسردگی نمی شوند (۲). افراد جامعه گرا و خودگردان به دو نوع متفاوت از استرسورها - رخدادهای منفی همخوان با شخصیت خود- واکنش نشان می دهند. برای مثال از جمله عواملی که می تواند در فرد خودگردان موجب افسردگی شود می توان از عوامل خارجی که رفتار هدف گرایانه را متوقف، خنثی یا در آن مداخله می کنند نام برد. اما در فرد جامعه گرا عواملی مثل تجربه فقدان، طرد یا جدایی و نیز مرگ فرد مهم، استرسورهای هستند که به عنوان عامل آشکار ساز افسردگی عمل می کنند (۲). از این پدیده با عنوان «نظریه همخوانی» یاد می شود. بر طبق این نظریه افراد بعد از تجربه وقایع دوره ای منفی که همخوان با حیطه آسیب پذیری آنهاست، مستعد افسردگی می شوند. از زمان معرفی جامعه گرای و خودگردانی، تحقیقات فراوانی متمرکز بر این مقوله شده است (۴) که اغلب این تحقیقات بین آسیب پذیری شناختی و رخدادهای همخوان در بیماران افسرده ارتباط معناداری نشان داده اند (۳، ۵، ۶). به عنوان نمونه Hammen و همکاران نشان دادند که افراد جامعه گرا وقتی که با رخدادهای منفی مربوط به روابط بین فردی مواجه می شوند، مبتلا به افسردگی می شوند. همچنین افراد خودگردان نیز در پاسخ به رخدادهای منفی مسائل مربوط به پیشرفت و موفقیت دچار افسردگی می شوند، آنها این ارتباط را در مورد اختلالهای دو قطبی پیدا نکردند (۷). در همین رابطه Mazure و همکاران طی پژوهشی نشان داده اند که بین خودگردانی و جامعه گرای و استرسورهای همخوان در بیماران افسرده کهنسال ارتباط معنی داری وجود دارد. آنها دریافتند که تعامل بین استرس های همخوان با سبک شناختی / شخصیتی احتمال افسردگی را ۶ تا ۱۱ بار بیشتر می کند (۸). در برخی از پژوهش ها رابطه بین جامعه گرای و رخدادهای منفی زندگی تایید اما رابطه بین خودگردانی با رخدادهای منفی زندگی تایید نشده است (۹، ۱۰). همچنین بک معتقد بود که علائم بیماران افسرده با توجه به سبک های شخصیتی متفاوت است (۲).

به طور خلاصه می توان گفت که نظریه آسیب پذیری- استرس در مدل شناختی برای افسردگی از حمایت تجربی قابل قبولی برخوردار است، در این رابطه، در پژوهش حاضر اهداف زیر دنبال شدند: ۱- تعیین همخوانی استرس های روابط بین فردی با سبک شخصیتی جامعه گرای ۲- تعیین استرس های شکست و عدم موفقیت با سبک شخصیتی

استفاده شد. آزمون Wilk's Lambda نشان داد که بین سبک شخصیتی با علایم اختصاصی ارتباط معناداری وجود ندارد ($F=0/77$)، به همین خاطر جدول تحلیل واریانس چند متغیره گزارش نشد. برای بررسی هدف چهارم نیز از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد (جدول ۱).

با توجه به اینکه Wilk's Lambda معنادار به دست آمد ($F=10/46, P<0/001$) اثر کلی جنسیت بر عاملهای شخصیتی معلوم می‌شود. جهت تعیین اینکه دو گروه در کدام یک از عاملهای شخصیتی با هم تفاوت دارند جدول تحلیل واریانس چند متغیره آورده شده است. تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که زنان افسرده نمره بیشتری در جامعه گرایی و مردان افسرده نیز نمره بیشتری در خودگردانی به دست می‌آورند.

بحث

یافته های این پژوهش نشان داد که بیماران جامعه گرا بیشتر از بیماران خودگردان، در معرض استرسهای بین فردی هستند و تفاوت بین دو گروه معنادار است و نیز یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بیماران خودگردان قبل از مراجعه خود استرسهایی تجربه کرده بودند که بیشتر مربوط به شکست در موفقیت بود. به این ترتیب یافته های پژوهش حاضر از فرضیه همخوانی استرسها حمایت کرد. این یافته با اغلب پژوهشهای قبلی که در این رابطه به تحقیق پرداخته اند همسو می‌باشد (به عنوان مثال: ۱۵، ۱۴، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۳)، اما مغایر با برخی دیگر از پژوهش ها است که نتوانستند این فرضیه را در مورد رابطه خودگردانی با افسردگی تایید کنند، (به عنوان نمونه: ۹، ۴). در تبیین اینکه خودگردانی و جامعه گرایی از چه طریقی و چگونه فرد را برای افسردگی آسیب پذیر می‌کنند باید به این مساله توجه داشت که نظریه شناختی یک رویکرد استرس - آسیب پذیری برای آسیب پذیری به افسردگی اخذ کرده است. بنابراین زیرساخت های شخصیت، حساسیت ها و توانایی های یک فرد را برای مقابله با استرس های محیطی تعیین می‌کنند.

خودگردانی به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۱. همچنین میزان پایایی به ترتیب جامعه گرایی و خود گردانی عبارت بود از: ۰/۷۹ و ۰/۷۶ (۱۳). همچنین مقیاس رخدادهای زندگی (SLE) که برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ از سوی Bilieskas و همکاران (۵) معرفی شد. Morse و Robins (۵) این مقیاس را برای سنجش رخدادهای مرتبط با جامعه گرایی و خودگردانی تعدیل کردند. آنها در نهایت ۴۰ آیتم را انتخاب کردند، ضریب کاپا برای سه داور برابر با ۰/۸۹ به دست آمد. برای پژوهش حاضر این مقیاس ابتدا به زبان فارسی برگردانده شد و ترجمه فارسی آن از سوی دو تن از اساتید روانشناسی تایید شد، همچنین روایی آن نیز توسط آنها مورد تایید قرار گرفت. سپس بر روی ۲۵ فرد سالم اجرا شد که ضریب پایایی باز آزمایشی این تست ۰/۹۰ به دست آمد.

برای تحلیل اطلاعات از روشهای آماری توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و آمار استنباطی شامل، آزمون t و تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS-15 تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها

بر اساس یافته های توصیفی پژوهش، میانگین سن بیماران ۳۷/۴ سال (دامنه=۵۹-۱۶، $sd=9/7$)، میانگین سن بیماران زن ۳۷/۴ سال ($sd=9/66$)، دامنه = ۵۹-۱۶ و میانگین سن بیماران مرد ۳۷/۳ سال (دامنه=۵۵-۱۸، $sd=10/13$) بود.

به منظور بررسی هدف اول از آزمون t گروههای مستقل استفاده شد. بیماران جامعه گرا بیشتر از بیماران خودگردان، استرسهای همخوان با جامعه گرایی تجربه کرده بودند (به ترتیب $M=4/33, SD=1/84$ در برابر $M=2/97, SD=1/46$)، که این تفاوت در سطح $P<0/01$ معنادار بود. برای بررسی هدف دوم نیز از آزمون t گروههای مستقل استفاده شد. بیماران خودگردان بیشتر از بیماران جامعه گرا، استرسهای همخوان با خودگردانی تجربه کرده بودند (به ترتیب $M=3/83, SD=1/81$ در برابر $M=2/47, SD=1/53$)، که این تفاوت نیز در سطح $P<0/01$ معنادار بود. به منظور بررسی و تحلیل هدف سوم از تحلیل واریانس چند متغیره

جدول ۱: تحلیل واریانس چند متغیره سبک های شخصیتی بر حسب جنسیت

منبع تغییرات	متغیرهای شخصیتی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
جنسیت	جامعه گرایی	۵۵۰۶/۳۵	۱	۵۵۰۶/۳۵	۱۲/۸۹	۰/۰۰۱
	خودگردانی	۱۰۵۵۳/۵۵	۱	۱۰۵۵۳/۵۵	۲۰/۷۴	۰/۰۰۰
خطا	جامعه گرایی	۴۱۸۴۱/۴۳	۹۸	۴۲۶/۹۵		
	خودگردانی	۴۹۸۵۴/۶۰	۹۸	۵۰۸/۷۲		

نشانه‌گر آن بود که تیپ‌های شخصیتی جامعه‌گرایی و خودگردانی به طور یکسان بین دو جنس تقسیم نشده است، بلکه زنان افسرده نمرات بیشتری در جامعه‌گرایی و مردان افسرده نمره بیشتری در خودگردانی به دست می‌آورند. این یافته همسو با تحقیقات پیشین است (۲۱، ۲۰، ۱۴). این یافته را می‌توان چنین تبیین کرد که اغلب زنان در جهت رسیدن به ارتباطات بین فردی و پیوند تلاش می‌کنند در حالی که مردها اغلب برای نیل به فردگرایی تلاش می‌کنند (Kirsch و Kuiper، ۲۱) و این در حالی است که هر دوی این صفات از ویژگی‌های اصلی جامعه‌گرایی و خودگردانی است. به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر از نظریه آسیب‌پذیری شناختی بک برای اختلال افسردگی حمایت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که جامعه‌گرایی و خودگردانی را می‌توان به عنوان عامل‌های زمینه‌ساز برای افسردگی در نظر گرفت با مشخص شدن عوامل آسیب‌پذیری (خودگردانی و جامعه‌گرایی در پژوهش حاضر) می‌توان افراد مستعد افسردگی را شناخت و مهارت‌های مقابله‌ای ویژه‌ای را به آن‌ها آموزش داد تا افراد بتوانند با رخدادهای منفی احتمالی به طور موثر، مقابله کنند. حتی درمانگر می‌تواند نوع درمان را بر اساس اینکه فرد افسرده از نوع جامعه‌گراست یا خودگردان، پیش‌بینی کند. کمی نمونه، نابرابر بودن گروه جامعه‌گرایی با گروه خودگردانی، عدم استفاده از مصاحبه برای بررسی رخدادهای زندگی، از جمله محدودیت‌های این پژوهش بودند که تعمیم نتایج را با مشکل مواجه می‌سازد.

افراد جامعه‌گرا در مقابل بروز اشکال در منابع و حمایت‌های اجتماعی آسیب‌پذیر هستند. بنابراین هنگامی که با فقدان حمایت اجتماعی مواجه می‌شوند احتمال مبتلا شدن به افسردگی در آن‌ها بالا می‌رود. افراد خودگردان بیشتر به شرایط حساس هستند که مانع رسیدن آن‌ها به اهداف بارزش و مهم‌شان می‌شوند. بنابراین زمانی مستعد افسردگی هستند که وقایعی مثل از دست دادن استقلال فردی و کنترل و یا عدم موفقیت روی بدهد (بک، ۳). بنابراین آسیب‌پذیری نسبت به افسردگی در فرد پنهان باقی می‌ماند تا زمانی که توسط رخدادهای زندگی فعال شود. همچنین وجود یافته‌های متناقض ممکن است به علت استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری افسردگی و سبک‌های شخصیتی متفاوت باشد (۱۶). طبقه‌بندی عینی رخدادهای زندگی بدون توجه به بار عاطفی آن برای هر فرد از علل دیگر متناقض بودن یافته‌هاست (۱۷). یافته دیگر این پژوهش بیانگر این مطلب بود که بین شخصیت جامعه‌گرایی و خودگردانی با علایم افسردگی رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های Jolly و همکاران (۱۸) و Klein و همکاران (۱۹) می‌باشد اما از سوی دیگر این یافته مغایر با یافته‌های نوری (۱۳) و رابینز و همکاران (۱۵) است. مهمترین علت این یافته‌های متناقض استفاده از ابزارهای متفاوت برای سنجش علایم بالینی افسردگی و سبک‌های شخصیتی است. برای مثال در اغلب این پژوهش‌ها برای سنجش علایم ویژه جامعه‌گرایی و خودگردانی از مجموعه‌ای از تست‌ها استفاده می‌شده است که به صورت نظری مرتبط با سازه‌های خودگردانی یا جامعه‌گرایی بوده‌اند که ابزار ساخته شده نهایی هم معمولاً فاقد پایایی و همسانی درونی بوده‌اند (۱۷). یافته آخر پژوهش

References:

1. Sadock B, Sadock V. *Synopsis of Psychiatry: behavioral Sciences/clinical psychiatry*. (Translated by Pourafkari Nosratollah). Tehran, Shahrab Pub.2004; PP: 28-30.(Persian)
2. Beck AT. Cognitive therapy of depression In Clayton PG & Baret GE. *Treatment of depression*. (Translate by Soltanifar H). Mashhad, Astane ghodse razavi Pub, 1983; PP:18-73.(Persian)
3. Clark DA, Beck AT, Alford BA. *Scientific foundation of cognitive theory and therapy of depression*. USA, John Wiley and Sons Inc, 1999; PP: 475.
4. Raghavana C, Le HN, BerenbaumH. Predicting dysphoria and hostility using the diathesis-stress model of sociotropy and autonomy in a contextualized stress setting. *Cogn Ther R* 2002; **26**(2): 231-244.
5. Morse JQ, Robins CJ. Personality- life events congruence effects in late life depression. *Journal of affective disorders* 2005; **84**(1): 25-31.
6. Fairbrother N, Moretti M. Sociotropy, autonomy, and self-discrepancy: Status in depressed, remitted depressed, and control participants. *Cog Ther Res* 1998; **22**(3): 279-296.
7. Hamman C, Ellicott A, Gitlin L, Jamison KR. Sociotropy / autonomy and vulnerability to specific life events in patients with unipolar depression and bipolar disorders. *Journal of Abnormal Psychology*1989; **98**(2): 154-160.
8. Mazure CM, Mcijewski PK, Jacobs SC, Bruce ML. Stressful life events interaction with cognitive/personality styles to predict late-onset major depression. *Am J Ger Psy* 2002; **10**: 297-304.
9. Allen NB, Horn DJ, Trinder J. Sociotropy, autonomy, and dysphoric emotional responses to

- specific classes of stress: A psycho physiological evaluation. *J Ab Psy* 1996; **105**(1): 25-33.
10. Sahin N, Ulusoy M, Sahin N. Exploring the sociotropy and autonomy dimension in sample of Turkish psychiatric inpatients. *J Cl Psy* 2003; **59**: 1055-1068.
 11. Ghasemzadeh H, Mojtabai R, Karamghadiri N, ebrahimkhani N. Psychometric properties of a Persian language version of the beck depression inventory-second edition: BDI-II – Persian. *J Dep Anx* 2005; **21**(4): 185-192.
 12. Sato T. Sociotropy and autonomy: the nature of vulnerability. *J Psychol* 2003; **137**(5): 447-466.
 13. Nuri R. *The study of Sociotropy and Autonomy as vulnerability to major depression*. In thesis of PhD in clinical psychology. Tehran, University of Welfare and rehabilitation, 2005; PP: 51-63. (Persian)
 14. Lynch TR, Robins CJ, Morse J Q. Couple functioning in depression the roles of sociotropy and autonomy. *J Clin Psychol* 2003; **59**(12): 1349-1359.
 15. Robins CJ, Luten AG. Sociotropy and autonomy: Differential patterns of clinical presentation in unipolar depression. *J Ab Psy* 1991; **100**: 74-77.
 16. Sato T, McCann D. Sociotropy - autonomy and Beck Depression Inventory. *Eur J Psy Ass* 2000; **16**: 66-76.
 17. Desmet M, Vanheule S, Verhaeghe P. Dependency self criticism and the symptom specificity hypothesis in a depressed clinical sample. *J So Beh Per* 2006; **34**(8):1017-1028.
 18. Jolly JB, Dyck MJ, Kramer TA, Wherry JN. The relations between sociotropy and autonomy, positive and negative affect and two proposed depression subtypes. *Br J Clin Psy* 1996; **35**: 91-101.
 19. Klein DN, Harding K, Taylor EB, Dickstein S. Dependency and self-criticism in depression: Evaluation in a clinical population. *J Ab Ps* 1988; **97** (4): 399-404.
 20. Shahar G. An Investigation of the perfectionism/self criticism domain of the personal style inventory. *Cog the Res* 2006; **30**: 185-200.
 21. McBride C, Bacchochi JR, Bagby RM. Gender differences in the manifestation of sociotropy and autonomy personality traits. *Per Ind Dif* 2004; **38**: 129-136.